



۱۰

انتشار عکس‌هایی از مدلینگ نامتعارف در باغ کتاب تهران، جنجالی شده است

خیلی بزرگش کردید!

جام جم از روند جذاب یک پیگیری رسانه‌ای درباره انتشار ۲ قسمتی یک فیلم سینمایی گزارش می‌دهد

کاسبی هزارپایی؟!

۱۲

بنی‌اعتماد با «نرگس» به خانه سینما می‌رود

فرهنگ

دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۷ :: شماره ۵۳۴۴



۱۱

جام جم

پشت صحنه

دربست تویتتر

دربست اینستاگرام

می‌خواهیم حقیقتی را با شما در میان بگذاریم که البته وقتی در جریانش قرار بگیرید، می‌گویید زکی! غیب گفتید؟ منتها باور بفرمایید رسانه‌های مکتوب یا از کنار این حقیقت به‌راحتی می‌گذرند یا این‌که از آن بهره می‌برند بی‌که به آن اعلان کنند. اما حقیقت چیست؟ حقیقتی را که می‌خواهیم بگوییم در همین دو سه روز اخیر در چهارصفحه فرهنگ گفته‌ایم به نوعی؛ این‌که حقیقتاً ما به‌عنوان نمایندگان کلاسیک‌ترین نوع کار رسانه‌ای، یعنی روزنامه‌نگاری با انتشار نشریه مکتوب، چشممان مثل شما به شبکه‌های اجتماعی است. دروازه‌بانی خبر برای ما روزنامه‌نگارها مدت‌هاست از چرخیدن لابه‌لای خبرهای رسمی فراتر رفته و به رصد شبکه‌های اجتماعی و محتوایی که مردم در آن رد و بدل می‌کنند رسیده است. جالب است بدانید امروز سوژه هر چهارصفحه ما از دل چند سروصدای تویتتری و اینستاگرامی بیرون آمده است. ما فکر می‌کنیم امروز روزنامه‌نگاری نباید بروش‌های سنتی دروازه‌بانی خبر اصرار بورزد و خودش را مشغول برخی مسائل کلان به‌درد نخور رسانه‌های رسمی کند بلکه باید بر مسائل به‌ظاهر خُرد اما بسیار پررنگ مردم در رسانه‌های اجتماعی هم تمرکز کند. این را نمی‌گفتیم، یقین می‌مردیم!

عرض کردیم که هر چهار صفحه ما سوژه‌هایشان را از شبکه‌های اجتماعی صید کرده‌اند. اول صفحه ۹، یعنی همین صفحه که در دست دارید؛ توری که فاطمه شه‌دوست در اینستاگرام انداخته به تن فیلم «هزارپا» و ابوالحسن داوودی گیر کرده است؛ لاید می‌دانید فیلم «هزارپا» به شبکه نمایش خانگی آمده و ملت که خریده‌اند، دیده‌اند ای دل غافل این که نصف فیلم است و پس از آن ریخته‌اند در اینستاگرام و حسابی از خجالت عوامل فیلم درآمده‌اند! شه‌دوست با چند و چون ماجرا را برایتان شرح داده است.

صفحه ۱۰ هم سوژه‌اش را از یک شبکه اجتماعی دیگر پیدا کرده؛ از تویتتر، انتشار تویتتری یک عکس از مدلینگ نامتعارف دختران در باغ کتاب تهران باعث شده تا دیگر خبزن‌گا ما هم برود سراغ پاسخ مسؤولان و هم این‌که پی ببرد سروصدا بابت چیست.

رفتم تویتتر و دوباره برگردیم به اینستاگرام؛ علی رستگار، صبح که بیدار شده و طبق روال هر روزه‌اش رفته در اینستاگرام تا ببیند دنیا دست کیست به‌ناگهان دیده که دنیا را از دست یک بازیگر مرد معروف گرفته‌اند و حسابی او را شاک‌ی کرده‌اند. گزارش او درباره قیصرخان و دعای عافیتش برای او را در صفحه ۱۲ بخوانید.

گزارش صفحه ما هم سوژه‌اش را از یک شایعه اینستاگرامی که به فاصله اندکی به حقیقت تبدیل شد، پیدا کرده. میثم اسماعیلی با تئاتر شهرزاد و محمدصادق رنجکشان کمی بالا و پایین کرده تا بداند ماجرای فروش این مجموعه خصوصی تئاتر به پرسروصداترین سرمایه‌گذار این روزهای سینمای ایران چیست؟

این پوستری است که برای فیلم‌ها گوناگون طراحی شده‌اند

اندر احوالات خنجر خوردن بازیگر پیش از انقلاب

از برادرانش

عافیت باشه قیصرخان!

شهرزاد؛ فصل آخر

مدیریت پردیس تئاتر شهرزاد به محمدصادق رنجکشان واگذار شد؛ شخصی که نام او به دلیل سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سینمایی مورد توجه رسانه‌ها بوده است

اول او در حوزه فرهنگ و هنر، تئاتر است. رنجکشان در یکی از گفت‌وگوهایش می‌گوید: «علاقه‌مندی اصلی من هم به تئاتر است و بعد سینما. الان به‌جز تئاتر «بینوایان»، در تئاتر «جنون» که یک کار دانشجویی است سرمایه‌گذاری کردم که قرار بود در سالن تئاتر شهرزاد به نمایش درآید. در واقع این عرصه، عشق و علاقه شخصی‌ام است، اما در عین حال با شم سرمایه‌گذاری و اقتصادی سراغ علاقه‌مندی‌ام آمده‌ام و این مورد پسند برخی آقایان نیست.»

از صادرات خرازی تا تماشاخانه خصوصی

محمدصادق رنجکشان شخصی است که عنوان می‌کند نزدیک به ۵۰ سال است کار اقتصادی کرده است. از واردات و صادرات در صنف خرازی گرفته تا آژانس هواپیمایی و کار در حوزه گردشگری. آن‌طور که برخی مسؤولان پردیس تئاتر شهرزاد می‌گویند این سرمایه‌گذار اتفاقاً شناخت بالایی در حوزه تئاتر دارد و این شناخت به او کمک می‌کند اتفاق‌های قابل توجهی در تئاتر خصوصی رخ دهد. تاهمین حالا هم بیشتر نقدهای وارد شده به تماشاخانه‌های خصوصی همین بوده است که کارهای مبتذل و بفروش جای کارهای فاخر و ارزشمند را گرفته و چه کسی است که نداند این تماشاخانه‌ها برای جریان هزینه‌هایشان این‌آثار را به آثار فاخر ترجیح می‌دادند. هر چه باشد حالا محمدصادق رنجکشان خیلی جدی وارد حوزه تئاتر شده است و باید دید او در این عرصه چقدر می‌تواند موفق باشد.

این میان افرادی مثل شهرام کرمی، مدیرکل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد هم به نوعی آن را تایید کرده و قول پیگیری برای رفع مشکل دادند. هر چند مشکل حل شد و این پردیس تئاتری هم به کار خود ادامه داد، اما شاید بتوان ردی از این حاشیه‌ها را در واگذاری مدیریت این مجموعه دنبال کرد.

بودن یا نبودن

شهرزاد جعفری چه خسته شده باشد از فضای کاری در حوزه تئاتر خصوصی و چه بخواهد در خارج از ایران ادامه تحصیل بدهد موضوع در این میان شخصی است که حالا با عنوان مدیر تازه پردیس تئاتر شهرزاد شناخته می‌شود.

محمدصادق رنجکشان که تا پیش از این‌ها نامش در سینما مورد سؤال بسیاری قرار گرفته بود حالا با تحویل پردیس تئاتر شهرزاد خیلی جدی به حوزه فرهنگی مورد علاقه‌اش یعنی تئاتر ورود پیدا کرده است. هر چند این خبر واگذاری در بسیاری از رسانه‌ها با طعنه‌هایی به سوی او همراه بود که از او در حوزه تئاتر با عنوان صاحب تئاتر لاکچری یاد می‌کردند، اما برخی از جمله مسؤولان پیشین تئاتر شهرزاد ورود او به حوزه سالن‌داری در تئاتر را اتفاق بسیار خوبی می‌دانند. جالب این‌که در گفت‌وگو با این افراد همگی آنها گفتند که شناخت محمد صادق رنجکشان از تئاتر جالب توجه بوده است. خود او هم در معدود گفت‌وگوهایش با رسانه‌ها همواره عنوان کرده است انتخاب



تنها با گذشت یک ماه از واگذاری تئاتر باران - به‌عنوان اولین تماشاخانه خصوصی کشور - حالا مدیریت پردیس تئاتر شهرزاد هم واگذار شد. تماشاخانه‌ای که اتفاقاً به استانداردهای یک تماشاخانه مناسب تئاتر بیشتر نزدیک بود و عمر فعالیتش با مدیریت پیشین فقط یک سال طول کشید و حالا به شخصی واگذار شده است که نامش در این سال‌ها گره خورده به حواشی ریز و درشت بسیاری. خبر این است که مدیریت تئاتر شهرزاد طی قراردادی از شهرزاد جعفری گرفته شد و به محمدصادق رنجکشان واگذار شده است. شهرزاد جعفری، دختر قاسم جعفری، کارگردان سینما و تلویزیون است، البته با وجود فیلم‌های بسیار در کارنامه کاری قاسم جعفری، شهرت او به واسطه سریال‌هایی است که در تلویزیون ایران ساخته است؛ سریال‌هایی همچون خط قرمز و مسافری از هند. شهرزاد جعفری هم هر چند کم و بیش در برخی از آثار پدر بازی کرده، اما به نظر می‌رسد چندان علاقه‌ای برای ادامه‌کار جدی در این حوزه ندارد.

او خرداد سال گذشته پایه‌گذار سالن تئاتر شهرزاد شد؛ سالی که اغراق نیست بگوییم در میان تماشاخانه‌های خصوصی کشور استاندارد بالا و قابل‌قبولی دارد. به‌گواه آمار ارائه شده برای ساخت این مجموعه جدی مبلغ زمین که جزو برآورد ساخت و تجهیز نیست؛ مبلغی حدود سه میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان هزینه شده است. آن‌طور که از حرف‌های شهرزاد جعفری می‌توان متوجه شد برای آماده‌سازی پردیس تئاتر شهرزاد ریالی وام یا کمک از جایی دریافت نشده و بخشی اعتباری بوده و بخش عمده آن نقدی. البته که برآورد اولیه او در زمان افتتاح تئاتر شهرزاد این بود که بعد از سه سال به هزینه اولیه خواهد رسید.

پردیس شهرزاد دارای سه سالن بک باکس حرفه‌ای است و سالن ۱ و ۲ آن دارای ظرفیت حدود ۳۰۰ صندلی است که با خارج از ظرفیت در برخی نمایش‌ها به ۵۰۰ صندلی هم رسیده است. آن‌طور که از سوی روابط عمومی تئاتر شهرزاد عنوان شده، این واگذاری به دلیل مشغله شخصی شهرزاد جعفری اتفاق افتاده است، آن‌طور که سام بهشتی به جام‌جم می‌گوید، شهرزاد جعفری قرار است برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری به خارج از ایران برود و ادامه اینچنینی فعالیتش در این حوزه امکان‌پذیر نیست.

حاشیه‌های شهرزاد

البته شاید برخی حواشی پیش آمده برای این پردیس تئاتری هم مزید بر علت باشد تا شهرزاد جعفری را راغب به واگذاری مدیریت این مجموعه کند، زیرا همین دی ماه امسال بود که در رسانه‌ها عنوان شد نامه ابطال مجوز پردیس تئاتر شهرزاد از سوی یکی از نهادهای نظارتی به مرکز هنرهای نمایشی ارسال و ابلاغ شده است. هر چند خیلی زود این خبر از سوی روابط عمومی این پردیس تکذیب و عنوان شد توقف فعالیت این مجموعه به دلیل حساسیت‌های به‌وجود آمده بوده و نه فشاری از یک نهاد نظارتی بیرون از حوزه کاری آنها. توقف فعالیت این پردیس البته حدود ۲۰ روز طول کشید و در

حامد همایون،

تمام شد!

حامد همایون خیلی زود مطرح شد، خیلی زود به اوج رسید و اکنون خیلی زود در ورطه رفتن به انزوا افتاده است. او نماد واقعی یک‌شبه ره صدساله را طی کردن است. از انتشار نخستین قطعه‌اش به عنوان خواننده تا برگزاری نخستین کنسرتش بیشتر از چند ماه طول نکشید و در همان نخستین ماه‌های فعالیتش، رکورد برگزاری کنسرت در ایران را شکست.

سیدحامد محمودزاده، جوانی با استعداد در شیراز بود که در کمترین زمان ممکن و با حمایت‌های شرکت «ترانه شرقی» با مدیریت محسن رجب‌پور به حامد همایون تبدیل شد. محمودزاده خیلی زود تحت عنوان برند «حامد همایون» که متعلق به رجب‌پور بود معروف شد و درآمد‌های میلیاردری برای شرکت به ارمغان آورد. شرکت صاحب برند حامد همایون مدعی است این خواننده در پنج ماه نخست سال گذشته حدود ۲۳۰ ستانس اجرا داشته است و همین مسأله رکوردی برایش محسوب می‌شود. حامد همایون اما اکنون دیگر فروغ گذشته را ندارد. او سال ۹۷ روزگار تیره‌ای را سپری کرد و دیگر خبری از اجراهای پرتعداد و رکوردشکنی‌ها نبود.

رجب‌پور (مدیر شرکت ترانه شرقی) تصمیم گرفت نگذارد سال خیلی هم برای خود و خواننده‌اش کم فروغ باشد. او برای ۱۷ اسفند برنامه‌ای ریخت تا طی دو ستانس در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی خواننده‌اش را به صحنه بفرستد.

بلیت فروشی این دو ستانس از حدود دو ماه پیش آغاز شد، اما دیگر خبری از پایان بلیت‌ها در کمتر از چند دقیقه با چند ساعت نبود. حتی اگر قبول کنیم که بلیت‌های این کنسرت به صورت واقعی به فروش رفته‌اند، باز هم فروش بلیت‌های دو ستانس در حدود دو ماه نشان از افول واقعی برند حامد همایون دارد. این خواننده تا همین یک سال پیش بلیت‌هایش کمیاب می‌شد.

رجب‌پور اما از همان ابتدا تلاش کرد توجه همه را به کنسرت اسفند حامد همایون جلب کند. او حتی بخش زیادی از بلیت فروشی سی و چهارمین جشنواره موسیقی فجر را برای سایتش به ارمغان آورد. این اتفاق باعث می‌شد مخاطبان اجراهای جشنواره موسیقی فجر خواسته یا ناخواسته وارد سایتی شوند که در راس آن بلیت‌های کنسرت حامد همایون به فروش می‌رسید و این نوعی تبلیغ بدون هزینه برای فروش بلیت‌های حامد همایون بود.

در این میان اما صاحب برند حامد همایون محصولات جدیدی در راه دارد که سعی در وارد کردن آنها به بازار موسیقی دارد. در همین اجرای اخیر حامد همایون هم تلاش شد دو محصول جدید شرکت «ترانه شرقی» به مخاطبان معرفی شوند. حامد همایون وقتی روی صحنه داشت خوانندگان جدید محسن رجب‌پور را به حضارن در سالن معرفی می‌کرد؛ در واقع مشغول معرفی جانشینانش بود. چرا که با آمدن محصولات جدید شرکت ترانه شرقی و البته محصولات جدید دیگر شرکت‌ها، دیگر جایی برای محصولی به نام حامد همایون باقی نمی‌ماند.